

ماده و

مرکب زارع



بهار - ۱۳۹۳

نشر شادان



گروه فرهنگی انتشاراتی

دفتر مرکزی:

تهران، کوی نصر (گیشا)، خیابان جوادفاضل جنوبی.

شماره ۱۰۲، تلفن: ۸۸۲۶۷۲۹۸ - ۰۲۰ - ۸۸۲۴۱

فروشگاه (آینده):

تهران، کوی نصر، بین خیابان یازدهم و سیزدهم.

شماره ۲۰۲، تلفن: ۸۸۲۶۹۶۶۰ - ۸۸۲۷۴۶۷۷

www.shadan-pub.com

shadan@shadan-pub.com

نویسنده: مژگان زارع

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۲

براستار: زهرا رضی

شابک: ۹۱-۸-۲۹۱۹-۹۶۴-۷۸

کتابخانه ملی: ۳۲۷۷۸۳۳

تیراژ: ۲۵۰۰ جلد

قیمت: ۱۷۰۰۰ ریال

زارع، مژگان

مهرو - نویسنده: مژگان زارع /

تهران: شادان / ۱۳۹۲ / ۴۰۷ صفحه /
(رمان ۱۱۶۳)

شابک: ۹۱-۸-۲۹۱۹-۹۶۴-۹۷۸
ISBN: 978-964-2919-91-8

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. داستانهای فارسی - قرن ۱۴

۹ م ۲۸۴۵ الف / PIR ۸۰۶۶

۱۳۹۲

کتابخانه ملی ایران

۶۲ / ۸۴۳

۳۲۷۷۸۳۳

یادآوری: جهت اطلاع این اثر متعلق
به انتشارات شادان است و هرگونه
استفاده از آن یا کپی برداری مجاز نیست.



غیرمجاز برای
دانلود رایگان

استفاده از کتابهای شادان برای قرار

دادن در سایت‌های مختلف، به هر شکل -

غیرمجاز و به دور از اصول اخلاقی است.

زیرکی یا صبوری...

بحثی بود میان چند دوست که بارزترین صفتی که دوست دارید شریک زندگی تان داشته باشد چیست؟ هرکس ویژگی و صفتی را مطرح می‌کرد، از خصوصیات ظاهری مثل زیبایی و برازندگی تا ویژگی‌های درونی مثل مهربانی و غیره. یکی از دوستان، خاص‌تر از بقیه جواب داد و گفت: من دلم می‌خواهد در میان مراحل زندگی، شریک زندگی‌ام تزیین باشد و سنگ! چون خودم نیز چنین هستم.



ضمن گوش دادن به صحبت‌ها، با این جمله به فکر فرو رفتم. آیا به‌راستی رک‌راست بودن و بی‌پروا سخن گفتن در یک رابطه همیشه خوب و درست است؟ و آیا می‌توان همیشه این رنگ‌گوش دیگران را تحمل کرد؟ اگر قبول کنیم که ما آدم‌ها هم مثل تمام مخلوقات، نقاط ضعف و قوتی داریم و هیچ‌کدام شامل نیستیم آن‌وقت پاسخ به این سؤال متفاوت خواهد بود.

رک‌وراست بودن در کنار تیزبینی، رفت‌وآمد پسندیده‌ای است ولی همیشه در زندگی افراد کمال‌گرا مثبت ندارد. حتی شاید گاهی مثل سمی مهلک منجر به تخریب رابطه‌ها شود. بعضی اوقات به‌جای داشتن تیزبینی، که اشتباهات دیگری را هوشیارانه و با زیرکی ببینیم نیازمند یک آغوش پُر مهر هستیم... زمان‌هایی هست که به‌جای ذهنی زیرک و خلاق و زبانی بُرنده و بی‌پروا که حقایق را در روی دیگری بکوبد به‌قلبی صبور نیاز داریم تا فقط حرف‌ها را بشنود، نه این‌که غلط‌های دیگران را بگیرد و لبخندی از پیروزی بر

گوشه لب بنشانند. شاید مواردی هم هست که به جای اشاره مستقیم به اشتباهات اجتناب ناپذیر همدیگر، می باید دست ها را با مهر گرفت و فقط گوش سپرد: آن هم گوش جان.. یا حتی فقط سکوت کرد: یک سکوت دوفره که می تواند التیام بخش دردها و خستگی ها باشد و فقط چشم ها سخن بگویند! به تصور من تیزبینی و سپس بی پروا سخن گفتن گاهی خوب است و گاهی مخرب. ما به دنیا نیامده ایم که با زیرکی مُچ همدیگر را بگیریم و سپس احساس غرور کنیم! هرچند که این درک و صبوری که نشانگر فهمیدگی افراد است به سادگی به دست نمی آید و از هرکس نیز قابل انتظار نیست.

قصه «مهر» به یکی از همین درک کردن های میان افراد اشاره دارد. افراد آن که تمام عشق و علاقه و دلبستگی هایشان بر روی خطی نازک قرار دارد و با کوچک ترین خطا و اشتباهی — در رابطه فیما بین — می لغزد و سقوط می کند. گاهی وقت اوقات میان آدم ها حکایت همان خط میان عشق و تنفر می شود، با یک سرزبانیک که حتی نمی توان دید. به سادگی می شود از عشق آتشین به نفرتی عمیق یا برعکس رسید. فقط یک لحظه یا یک بهانه، تمام ذهن ها را به هم می ریزد کافی است به جای استفاده از درک و فهم، از همان زیرکی و رک گویی استفاده کنی آن وقت تمام خواستن ها به تنفر و تمام محاسن به معایبی نابخشودنی تبدیل می شود.

نویسنده با ترسیمی خوب از خط سیر سب و شخصیت ها توانسته چهره هایی ملموس برای مخاطبش بسازد و این که «مهر» است که «مهر» را برای خواننده حرفه ای شادان جذاب می سازد. امید که شما نیز چنین باشد.

مهری جان مستمرا!

بهمن رحیمی

اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ - تهران

لعل لعل